



بهجت نجیبی فینی

نام واحد: کاربرد زبان در تربیت

مطالب ارائه شده در کلاس های مجازی

جلسه اول آموزش مجازی: ۱۳۹۸/۱۲/۳

به نام خدا

تعریف زبان:

زبان نوعی رفتار انسانی است که دارای طرح است؛ این طرح ها و الگوها بین امواج انرژی که از گوینده ساطع می شود (واکه ها و همخوان ها یا صامت ها و مصوت ها) از یک طرف و وقایع جهان بیرون از طرف دیگر رابطه برقرار می کند.

کارکردهای زبان:

۱. زبان تنها وسیله ای است که می تواند افرا جامعه را به هم پیوند دهد در نتیجه یک واحد اجتماعی است، به عبارت دیگر، زبان مهمترین نهاد اجتماعی است.
۲. زبان وسیله ی بیان افکار و احساسات ما است. زبان تنها وسیله یا موثرترین وسیله ای است که جهان اندیشه و دنیای درون ما را به جهان بیرون مرتبط می کند.

تعریف تربیت:

۱. تربیت، در معنای کلی خود یعنی پدیدآوردن آگاهانه دگرگونی در انسان.
۲. تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه رشد کامل توانایی های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان عضو جامعه ای مبتنی برهمبستگی و تعاون، مقصود از این تعریف نیز آن نوع تربیتی است که از تحول اجتماعی جدایی بوده و حتی از نیروهای تعیین کننده این تحول محسوب می شود.

رابطه زبان و تربیت:

زبان به عنوان نظامی از نشانه ها و هم به عنوان وسیله ی ارتباطی نقش مهمی در تربیت داشته و همچنین، یکی از مهمترین اهداف تربیت آموزش زبان است.

هالیدی رابطه ی زبان و تربیت را در سه مقوله ی عمده تقسیم بندی کرده است:

- ۱- یادگیری زبان، ۲- یادگیری از طریق زبان، ۳- یادگیری در باره ی زبان.

در مقوله نخست، یادگیری مهارت های زبانی در سطوح مختلف (مانند خواندن و نوشتن، صحبت کردن، استدلال کردن، برقراری تعامل اجتماعی و...) از اهداف تربیتی محسوب شده است.

در مقوله ی دوم، زبان به عنوان ابزار و وسیله ی تربیت محسوب شده و ارتباطات و تعاملات در بستری از زبان اتفاق می افتد.

در مقوله ی سوم نیز آموزش زبان (مانند زبان های اول و دوم یا زبان های رسمی و بیگانه) محور رابطه ی زبان و تربیت قرار گرفته است.

در سال های اخیر، دانش جدیدی به نام دانش زبان شناسی تربیتی، به عنوان تنها متولی ایجاد رابطه ی میان زبان و تربیت ظهور یافته است.

این دانش به بررسی موضوعات گوناگونی پرداخته که از مهم ترین آن ها مباحث زیر است:

- ۱-تنوع زبانی، ۲- زبان معیار(رسمی)، ۳- مهارت های زبانی (گفتار، نوشتار، خواندن و گوش سپردن)، ۴- واژه - آموزی، ۵-تحلیل گفتمان (تعامل دانش آموز _ معلم)، ۶-تدریس زبان (زبان مادر، زبان دوم، زبان بیگانه ی جدید، زبان کلاسیک)، ۷-برنامه ریزی و آموزش زبان (در ارتباط با نقش و موقعیت های زبان های مختلف در نظام - آموزشی)، ۸-زبان و یادگیری (ماهیت زبان در کلاس درس)، ۹- دستورآموزی(قواعد دستوری) ۱۰- تحلیل خطا(در مراحل مختلف یادگیری زبان) .

تکالیف این مبحث:

- ۱- آنچه را در هفته های آغازین دانشگاه شنیده اید با نگارشی زیبا بیان کنید.
- ۲-حدود پنجاه واژه از ترکیب همخوان ها و واکه های (صامت ها و مصوت ها)فارسی بسازید که اگر از آخر هم خوانده شوند دارای معنا باشند، مثل: واژه دار که راد هم خوانده می شود و یا بابک که کباب خوانده می شود.

به نام خدا

اصلی ترین بحث زبان چیست؟

مهم ترین بحث زبان، تعلیم و تربیت است. اگر کودکان به خوبی سخن نگویند در مسیر رشد عمومی، رشد اجتماعی و اخلاقی وی مشکلات مهمی ایجاد می شود و مشکلات تربیتی فراوانی برای خانواده، خود و اجتماع فراهم می سازد. در باره نقش زبان، باید گفت که این وسیله ارتباطی به قدری مهم است که امروزه متخصصان زبان آموزی را از وظایف مهم آموزش و پرورش می دانند.

در تمام کشورهای دنیا، آموزش زبان قسمت عمده برنامه های درسی را تشکیل می دهد. زبان در تربیت اندیشه و تفکر آدمی نیز نقش مهمی ایفا می کند. زیرا زبان مجرای است که اندیشه از کانال آن عبور می کند و به دیگران انتقال می یابد.

شخص هنگامی که با دیگران به تبادل افکار می پردازد، می خواهد اندیشه اش را در قالبی زیبا و نیکو بریزد تا به خوبی تفهیم شود. زبان نه تنها منتقل کننده آشکار است بلکه به پرورش نیروی تفکر نیز کمک می کند.

ژان پیاژه، یکی از روانشناسان شناختی در ارتباطات و تفکر می گوید:

" زبان به کار فکر کردن می آید؛ بدین معنا که کودک به مدد زبان فکری کند و شخص به وقت فکر کردن حرف می زند. پس زبان وسیله فکر کردن است و جانوران چون فاقد بیولوژی زبان هستند از زندگی روانی انسانی دور می مانند."

بنا بر این برای سالم سازی و رشد و گسترش دامنۀ تفکر باید به سالم سازی و گسترش زبان توجه کرد.

نظریات رشد زبانی انسان:

در رابطه با رشد زبان نظریه های مختلفی ارائه شده است که نظریه ذاتی بودن و اکتسابی بودن زبان از مهمترین این نظریه هاست که توسط اسکینر روانشناس معروف و چامسکی، زبان شناس معروف امریکایی مطرح شده است.

نظریه رشد زبانی چامسکی:

ما تنها به سادگی تعدادی جمله را یاد نمی گیریم، بلکه به طور معمول، جمله هایی را نیز به وجود می آوریم. همه ما هنگام نوشتن و یا سخن گفتن کارمعینی انجام می دهیم؛ این توانایی از آنجا نشأت می گیرد که مجهز به قواعددرونی هستیم که مارا قادر می سازند تصمیم بگیریم که کدام جمله ها جنبه ی دستوری دارند و می توانند معنای مورد نظر مارا انتقال دهند؛ ولی از آنجا که ما نظامی از قواعد را دارا هستیم (دستور زبان) می توانیم جمله هایی را ابداع یا درک کنیم که هرگز قبلا آنها را نشنیده ایم.

چامسکی نشان داده است که قواعدتغییر جمله ها بسیار پیچیده هستند، بنابراین تسلط یافتن آرام و عادی کودکان براین زمینه بسیار قابل توجه است.

وی تحت تاثیر "راجر براون" که بدون ایجاد مزاحمت برای کودکان سخنان خود به خودتعدادی کودک را طی چندسال ضبط کرد و ضمن کسب اطلاعات مختلف، دریافت که کودکان، چگونه سوالات تاکیدی می سازند: "اون نمی دونه چه کار انجام بده، می دونه؟"

رشد کلامی کودک برای ساخت سوال های کوتاه تاکیدی نشان دهنده ی دیدگاه چامسکی است؛ کودکان قواعد پیچیده زبان شناسی و شیوه های آن را در زمانی بسیار کوتاه فرا می گیرند. به نظر می رسد آنها اکثرا قواعد دستور زبان را در حدود شش سالگی و بقیه آن را تا سن بلوغ یاد می گیرند. آنها برپایه درک شهودی، نوعی دانش کاربردی برای استفاده از قواعدبه دست می آورند. آنها به سرعت قواعد زبان خویش و در صورت نیاز، زبان دوم را نیز یاد می گیرند.

چامسکی می گوید تسلط زبان شناختی کودک عادی، مستحکم تر از آن است که آن را ناشی از داده های محیطی بدانیم. کودکان سخنان محدودی را در محیط می شنوند که اکثر آنها ساختار ضعیفی دارند اما آن ها به سرعت و به صورت هماهنگ، نظامی پیچیده از قواعد را برای ایجاد تعداد نامحدودی ازجمله ها در خود به وجود می آورند.

نتیجه:

کودکان قواعد دستور زبان را اصولاً با توجه به طرحی درون زاد ، یعنی یک برنامه ژنتیکی ، آنها را در خود به وجود می آورند. محیط عاملی حیاتی است اما این عامل حیاتی تنها می تواند الگوهای تعیین شده ذاتی را حمایت کند و فعال سازد. نظام چامسکی این است که کودکان در هنگام فراگیری و تسلط بریم دستور زبان به وسیله نوعی دانش نظری از دستور زبان جهانی هدایت می شوند؛ یعنی به طور خودکار شکل کلی هر زبان را که باید یادگیرند، می دانند.

تکلیف این مبحث:

تفکران را درباره مسائل روز در حداقل پانزده سطر بر روی کاغذ بیاورید.

به نام خدا

دنباله بحث جلسه قبل (نظریات رشدزبانی).

نظریه اسکینروانشناس

به نظر اسکینر، برای یادگیری زبان به هیچ مکانیسم پیچیده ذاتی یا ذهنی نیاز نیست. او می گوید؛ تنها شرط لازم برای توجیه یادگیری زبان، مشاهده منظم رویدادهای جهان خارج است که کودک را وادار به صداهایی می کند.

ادعای اسکینر در باره درک ماهیت زبان، صرفاً بر پایه نتایج حاصل از تحقیقات آزمایشگاهی وی بر روی موش و کبوتر استوار شده بود؛ زیرا در این تحقیقات ثابت کرده بود با داشتن وقت کافی می توان موش و کبوتر را طوری تربیت کرد که بتوانند انواع غیرقابل تصویری از وظایف ظاهراً پیچیده را انجام دهند به شرط این که دو اصل اساسی رعایت شود: شرط اول این که هریک از این وظایف را باید به مراحل تدریجی و کاملاً دقیقی تجزیه کرد و شرط دوم، این که کارهای حیوان را باید همواره پاداش داد.

اسکینر این نوع یادگیری از طریق "آزمایش و خطا" را شرطی شدن ارادی نامید و معتقد است؛ آزمایش هایی که بر روی حیوانات مختلف انجام شده است؛ بدون تغییرات اساسی می توان به رفتارهای انسان تعمیم داد.

دکتر جین اچسون، در کتاب "روانشناسی زبان"، نظرات اسکینر و چامسکی را بررسی کرده است و در تعریف زبان، از قول "چارلز هاکت" زبان شناس آمریکایی، ده خصیصه مربوط به زبان را برمی شمارد و معتقد است اگر حیوانی یافت شود که این مختصات طراحی شده را کامل صاحب شده باشد، آنگاه آن حیوان قادر به سخن گفتن است. این ده خصیصه عبارتند از:

۱. استفاده از مجرای گویایی، شنوایی

بدیهی ترین خصیصه زبان، استفاده از مجرای گویایی و شنوایی است. صداها به وسیله عضوهای شنوایی دریافت و به وسیله عضوهای گویایی تولید می شوند.

۲. اختیاری بودن

به این معنا که زبان انسان از نمادهای صوتی خنثی استفاده می کند. به عبارت دیگر واژه "چراغ" و شی که عامل روشنایی است هیچ گونه ارتباط صوتی وجود ندارد، زیرا به جای واژه چراغ واژه های دیگری هم می توان به کاربرد؛ بدون این که در ماهیت آن تغییری رخ بدهد.

۳. بار معنایی

به کاربردن، جهت افاده معنی یا اشاره به اشیا یا اعمال.

۴. انتقال فرهنگی

انسان زبان خود را از راه تعلیم و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند.

۵. کاربرد خلق الساعه

منظور این است که انسان گفتار خود را آزادانه انتخاب می کند

۶. رعایت نوبت

افراد بشر در اکثر گفتگوهای خود با دیگران با رعایت نوبت حرف می زنند و هرگز با طرف مقابل به نوعی مسابقه رقابت آمیز مبادرت نمی کنند.

۷. دو گانگی یا تولید دو گانه

برین معنا که زبان بر پایه دو سطح تنظیم شده است، واحدهای اصلی صوتی مورد استفاده در سخن گفتن مانند (ح، ر، ف) که به تنهایی فاقد معنی می باشند و تنها هنگامی معنی پیدا می کنند که در توالی های معینی با هم ترکیب شوند.

۸. بعد زمانی و مکانی

بعد زمانی و مکانی یا توانایی اشاره به چیزهایی که از لحاظ زمان و مکان در فاصله ای بسیار دور قرار دارند. این یکی از خصیصه های پراهمیت زبان است. مثلاً ما می توانیم بگوییم "پارسال در سرتاسر کره زمین خبری از کرونا نبود"

اما القای چنین مفهومی برای حیوانات غیرممکن است.

۹. ساخت وابستگی

منظور این است که ترکیب و تولید کلام صرفاً به صورت کنار هم گذاشتن یک رشته واژه نیست، بلکه هر جمله دارای نوعی ساخت درونی است که شنونده باید آن نوع ساخت را درک کند.

۱۰. خلاقیت

این خصیصه زبان، انسان را قادر می‌سازد تا درباره هرچه بخواهد حرف بزند بدون این که برای خود و یا شنونده، کوچکترین مشکل زبانی ایجاد کند.

تکلیف این مبحث:

نظر شما درباره ذاتی بودن و اکتسابی بودن زبان، براساس آنچه در این مبحث گفته شد چیست؟ حداقل در ده سطر نظراتان را بیان کنید.